رسالت

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی صبح ایران

صاحب امتیاز: بنیاد رسالت
مدیرمسئول: محسن پیرهادی
سردبیر: مسعود پیرهادی
نشانی: تهران، خیابان استاد نجات اللهی جنوبی خیابان شهید اسماعیل محمدی - پلاک ۱ کدپستی: ۱۵۹۹۹۷۶۷۱۱ | تلفن: ۱۰-۸۸۹۱۰۸۰۶
نمابر: ۸۸۹۰۰۵۸۷ | چاپ: صمیم | تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵

یک‌شنبه
۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۱
۲۹ رمضان ۱۴۴۳
اول می ۲۰۲۲
سال سی و هفتم
شماره ۱۰۳۰۴

WWW.RESALAT-NEWS.COM

اوقات شرعی

اذان ظهر ۱۳:۰۱
اذان مغرب: ۲۰:۱۰
اذان صبح فردا: ۴:۳۸
طلوع آفتاب فردا: ۶:۱۲

خوانندگان فهیم روزنامه رسالت می‌توانند پیام‌های خود را به سامانه‌های ۱۰۰۰۲۱۸۸۹۱۰۸۰۸ یا ۵۰۰۰۱۰۶۰۶۵۸۱۱۹ پیامک کرده و مسائل و مشکلات خود را بیان نمایند. بی‌صبرانه منتظر پیام‌های گرم شما هستیم.

حکمت نهج البلاغه

سخاوت آن است که ابتدایی (و بدون درخواست) باشد، اما آنچه در برابر تقاضا داده می‌شود باز روی «حیا» است و یا برای فرار از «مذمّت».

شاه بیت

بی طاقتی است قسمت منعم ز جمع مال
از گنج پیچ و تاب بود رزق مار را

صائب

نادر طالب‌زاده، معلم جهاد تبیین و یکی از مهمترین چهره‌های جنگ رسانه‌ای بود

جهاد رسانه‌ای تا آخرین نفس

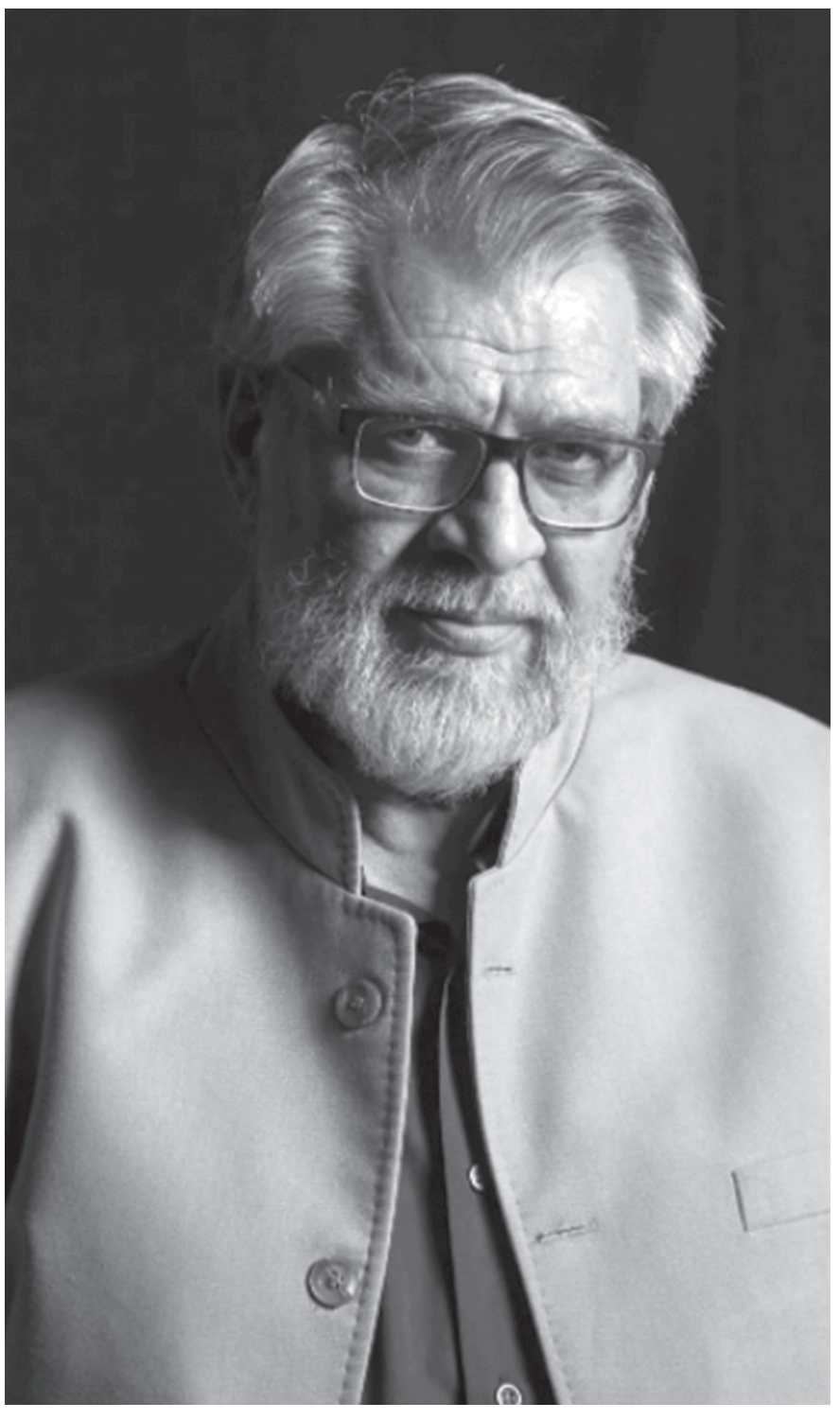

جواد شاملو

حسین دهباشی را به خاطر نقش مهمی که در پیروزی حسن روحانی در انتخابات ریاست جمهوری سال نودو دو ایفا کرد، همواره هم مذمت می‌کنم و هم از جهتی بزرگ و رسانه‌بلد می‌شناسم. من که در سال نودودو نه سنی داشتم و نه حقی برای رأی؛ اما اعتراف می‌کنم پای مستند روحانی دلم لرزید. حال اینکه کسی مثل دهباشی در سرآغاز گفت‌وگو با یک شخصیت در برنامه «خشت خام» بگوید جلوی یکی از صدها شاگردی که تربیت کرده‌اید نشسته‌اید؛ برایم معنادار است. دوستداران سید مرتضی آوینی زیاد او را در سنین کهنسالی تصور می‌کنند؛ چه او در جوانی شهید شد و در دامنه قله‌ای که به سرعت در حال صعود از آن بود. اما من می‌گویم اگر قرار بود آوینی هفتادساله به کسی شبیه باشد؛ او نادر طالب‌زاده بود. ازاین جهت آوینی کهنسال را با طالب‌زاده مقایسه می‌کنم که اولا جوانی آن‌ها شبیه هم بود. این پیرمردی که بچه‌های انقلابی با شوق و عشق او را حاج نادر صدا می‌زدند، فرزند یکی از امرای ارتش زمان شاه بود. پیش از انقلاب برای تحصیل در رشته ادبیات انگلیسی به ایالت ویرجینیای آمریکا مهاجرت می‌کند و سپس در کلمبیا و در یکی از مهم‌ترین کرسی‌های دانشگاهی سینمای جهان، هنر هفتم را فرا می‌گیرد و دختری آمریکایی را به همسری برمی‌گزیند. جوانی آوینی هم در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران و در میان کتاب‌های فلسفه و ادب غرب سپری شد. طالب‌زاده می‌گوید در آمریکا چند بار برای گرین کارت و تابعیت آمریکا هم اقدام کرده اما کار به نتیجه‌ای نرسیده تا اینکه چندماه مانده به انقلاب روی مجله‌های آمریکایی عکس رنگی امام خمینی را می‌بیند. خودش می‌گوید آن عکس در کنار یک جمله از امام در جان او اتفاقی رقم زد. اتفاقی که برای برخی ممکن است در حج رخ دهد؛ یا در یک شب قدر و هر مکان و زمان مقدس دیگری. لیلة‌القدر زندگی حاج نادر اما تصویر و کلام امام بود. او تحصیل و زیست آمریکایی خود را رها می‌کند و به دریای انقلاب می‌زند. نگاه امام روی کاغذهای یک مجله آمریکایی، قلب این آدم را پهناور می‌کند. نگاه امام بهانه بود؛ این تصویر در اصل وسیله هدایت خاص الهی است؛ هدایتی که قرآن در سوره انعام به آن اشاره می‌کند: «فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ...» حاج نادر البته بی‌شک از پیش مسلمان است اما او قرار است به درجه‌ای از اسلام هدایت شود که سال‌های بعد روی تابوتش را همچون تابوت شهدا با پرچم جمهوری اسلامی بپوشانند و عنوان شهید را در کنار اسمش بنویسند. درجه‌ای از اسلام که به معنای واقعی کلمه تسلیم قضا و قدر خداوند بودن است. این شرح صدر وقتی در زندگی او تجلی پیدا می‌کند که مورد ظلم و ستم‌های عجیب و غریبی قرار می‌گیرد و در راه دفاع از انقلاب و نظام اسلامی کک‌شان نمی‌گزد. این شباهت دیگر او با سید مرتضی است. مستند سریالی خنجر و شقایق حاصل همکاری مستقیم آوینی و طالب‌زاده است. در اولین سالگرد شهادت آوینی، ۱۰ قسمت از این سریال آماده پخش می‌شود اما در صدا و سیمای محمدهاشمی، نریشن کار با صدای آوینی را حذف می‌کنند. این بعد از آن است که آوینی با تیم روایت فتح خدمت رهبر انقلاب رسیده و آقا به ویژه از تأثیر صدای او سخن گفته. بعد از شهادت او در فکه است و تشییع جنازه‌ای که خود رهبر انقلاب در آن حضور پیدا کرده. بعد از تمام این‌ها کماکان با آوینی با سبعیت رفتار می‌شود. این رفتار که فراتر از بی‌مهری می‌تواند ظلم نامیده شود، در مورد طالب‌زاده هم به شکل دیگری تکرار می‌شود. اموال پدر و حتی مادر نادر طالب‌زاده پس از رحلت امام مصادره می‌شود و سال‌ها پیگیری و حتی دستور مستقیم رهبر معظم انقلاب هم تأثیری در بازگشت این اموال به ناحق مصادره شده ندارد. زندگی هر انسان بزرگ و مؤثری که در راه خدمت به انقلاب قدم‌های بزرگی برداشته را ببینی، به یک الگوی تکرارشونده می‌رسی و برایت روشن می‌شود که کارکردن برای جمهوری اسلامی؛ یعنی جنگیدن در دو جبهه. یک طرف جبهه خودی تو را می‌زند و یک طرف جبهه دشمن. فرقی ندارد منصور ستاری باشی یا مهدی باکری یا مرتضی آوینی یا قاسم سلیمانی یا نادر طالب‌زاده. این تراژدی محتوم خدمت به انقلاب است و شرح صدر می‌خواهد. برای انقلاب، کار کردن و طرفدار نظام ماندن، از آن شرح صدرهایی می‌خواهد که فقط خدا باید به کسی بدهد. طالب‌زاده هم مثل آوینی تربیت یافته حال و هوای اسرارآمیز و آسمانی جبهه‌ها است و خود را دانش‌آموخته معارف اسلامی در دانشگاه جبهه‌ها می‌داند. با لنز دوربین همپای آوینی روایتگر جبهه است و پس از جنگ، جبهه سنگین رسانه‌ای انقلاب را رهنمایی کند. طالب‌زاده به رسانه همواره رویکردی برون مرزی دارد و همین او را به چهره‌ای مؤثر در دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی نیز تبدیل می‌کند. بر مبنای همین رویکرد برون مرزی سریال «بشارت یک منجی» را می‌سازد. این سریال قصد دارد بر مبنای انجیل برنابا، روایتی از حضرت مسیح را نشان دهد که بین اسلام و مسیحیت تقریبا مشترک و به این وسیله پیروان این دو دین را به یکدیگر نزدیک کند. همچنین توجه ویژه‌ای در بازنمایی‌های رسانه بیگانه از ایران دارد و با ایران هراسی از زمان تسخیر لانه جاسوسی مقابله می‌کند. استفاده از شخصیتی همچون نوام چامسکی در برنامه راز برای مطرح کردن روایت‌های غربی متفاوت نیز در ادامه همین رویکرد برون مرزی به رسانه است. با همین رویکرد با شهید آوینی «ساعت بیست و پنج» را می‌سازد که نقد آمریکا در خود آمریکا است. به این ترتیب او مهم‌ترین چهره کارکرد آوردگاهی رسانه است که رهبر انقلاب آن را یکی از شئون رسانه انقلاب و خاصه صدا و سیما دانسته‌اند.

طالب‌زاده همچنین نقش ویژه‌ای در سازماندهی و تربیت نیرو برای جبهه فرهنگی انقلاب دارد. او حتی گروه‌هایی از لبنان و افغانستان را به ایران می‌آورد و تحت آموزش رسانه‌ای قرار می‌دهد. از این جهت می‌توان حاج نادر را یک استاد رسانه در سرتاسر محور مقاومت دانست.

آنچه در مورد اذعان تمام کسانی است که اندک آشنایی‌ای با او داشتند، کار و تلاش بی‌وقفه و مافوق تصور آن هم در سنین بالا است. این کار فراوان و اراده آهنین را شاید بتوان به تربیت ارتشی پدر او نیز مرتبط دانست. باری استاد را دعوت کرده بودند دانشگاه امام صادق. به هر دلیلی نتوانسته بودم در جلسه حاضر باشم و در خوابگاه مانده بودم. ناگهان یکی از بچه‌ها سراسیمه در اتاق را باز کرد و مثل کسانی که عقل از سرشان پریده باشد بی‌آنکه متوجه حضور من شود دور اتاق می‌گشت و مدام با خود تکرار می‌کرد: «چگونه آدمی با این سن و سال می‌تواند این همه فعالیت داشته باشد؟!»

خبر

شهادت طلبی در بوسنی هرزگوین

چند سال قبل، حسین دهباشی سازنده برنامه خشت خام نوشته بود:
«امشب بالاخره حُکمِ «دادگاهِ جنایتکارانِ یوگسلاویِ سابق» در موردِ «قصّابِ بالکان» اعلام شد.
انکار نمی‌کُنم که ترجیح می‌دادم تا «رادوان کارادزیچ» به بدترین و دردناک‌ترین روشِ مُمکن «زجرکُش» می‌شُد تا این جوری سوسولی و مسخره محکوم به چهل سال حبس! نه! زندان برای امثالِ او اصلا مجازاتِ عادلانه‌ای نیست موجوداتی بی‌نهایت پست و رذل و کثیف و به همان تعبیرِ «قرآن» از جنسِ «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ».
رئیس‌جمهورِ سابقِ صربسکا گرچه برایِ خودش کُلّی شاعرپیشه و روانپزشک و روشنفکر بود و تحصیلکرده دانشگاهِ مشهورِ کُلمبیا در منهتنِ نیویورک و شاید اگر جنگِ داخلی در «بوسنی و هرزگوین» رُخ نمی‌داد الان در صفحاتِ مجازی‌اش شونصدهزار فرندِ نادیده و دل‌خسته داشت که در پایِ نظراتِ «اولترافمینیستی»اش جان فدا می‌کردند.
والبته... تا قبل از دستورِ او برایِ تجاوزهایِ دست‌جمعی و کُشتارِ هشت‌هزار زن و کودکِ تنها و غیرمسلح در «سربرنیتسا» شهری مُسلمان‌نشین که کلّیه مردانِ بالایِ چهارده سال‌اش با اعتماد به آتش‌بسِ پیشنهادیِ شورایِ امنیت و قولِ کُلاه‌آبی‌هایِ سازمانِ ملل از آن بیرون رفته بودند تا تنها چندساعتِ بعد خبرِ «بزرگ‌ترین و فجیع‌ترین نسل‌کشی تاریخِ مُعاصرِ اروپا» به گوش‌شان برسد.
آن روزها مثلِ همین الان نیروهایِ داوطلبِ بسیجی و سپاهیِ اعزامی از ایران و خیلی بی‌تجربه‌تر و کم‌امکانات‌تر از حالا جزءِ معدود یاری‌رسانان به مُسلمانان و کروات‌ها شُدند پیش از آنکه آمریکایی‌ها یک جورهایی مُتّحدِ دولتِ ما شوند در جنگِ با «چتنیک»هایِ صرب که از اوّل تا آخرش مستظهر به حمایتِ بی‌دریغِ ارتشِ روسیه بودند.
راستی! حالا شُما یادتان نمی‌آید همین آقایِ «احمدِ جنّتی» که الان خیلی‌ها از ایشان دل‌خورند و از بابِ همین دل‌خوری به انبوهِ شوخی‌هایِ در موردِ ایشان حسابی می‌خندند و دل‌خُنک می‌کُنند از جمله نگارنده! (در انتخاباتِ اخیرِ مجلسِ شورایِ اسلامی، ردِ صلاحیّت‌ام فرمودند خُب!) آن موقع‌ها تا چه حدِ محبوبِ دلِ قحطی‌زده و محاصره‌شده بوسنیایی‌ها بود به جهتِ سفری که به آنجا داشت و کمک‌هایِ گرچه ناچیز امّا دل‌گرم‌کُننده‌ای که از جانبِ مردمِ مظلوم‌نوازِ ما برایشان بُرد.
و امّا بعد که اکنون شاید وقتِ افشاکردنِ «راز»ی باشد! که صاحبِ این قلم تا امشب در نهانی‌ترین زاویه دلِ خود پنهان کرده بود و نه جایی گفته و نه نوشته!
می‌دانید؟ روزهایِ سختی بود روزهایی خیلی سخت‌تر از آنکه فکرش را بکُنید صرب‌ها قدم‌به‌قدم جلو می‌آمدند و با اطمینان از سُکوت و همراهیِ پنهانِ همسایگانِ اروپایی در هرقدم جنایت‌هایی می‌کردند که زبان از گفتن و قلم از نوشتن‌اش شرم دارد در سفر و به همراهِ آقایِ جنّتی چندنفر خبرنگارِ ایرانی هم آمده و بعد از رفتنِ او هم مانده بودند از جمله خانُمِ ثقفی، محمدصدری، رضا بُرجی، شهید سیّدابراهیم اصغرزاده و یکی دیگر که اسم‌اش را آخر می‌گویم!
دریکی از همان شب‌ها و روزهایِ سخت که به گمانم همان وقتی بود که دُخترکِ زیبایِ شانزده‌ساله تازه فرار کرده از اردوگاهِ اُسرا که به قولِ بزشکانِ بدون مرز بیش از هزار بار به او تجاوز شده بود خودش را پیشِ چشمِ همه و جلویِ قرارگاهِ نیروهایِ موسوم به پاسدارِ صُلح آتش زد آری همان شب تصمیم گرفته شُد که یکی از خبرنگارانِ ایرانی دست از جان بشوید و به بهانه مُصاحبه خودش را به «رادوان کارادزیچ» برساند و در فُرصتی مناسب و با انفجارِ بُمبی که داخلِ دوربین‌اش بود او را به درک و هزار نفر انسانِ بی‌گناه و دستِ خالی را به آزادی و آرامش و خود را به شهادت رساند.
آب در دهانِ همه خُشک شُده بود! و هیچ‌کس دل‌اش را نداشت و تنها یکی بود که پا پیش گذاشت و برایِ اینکه دیگران شرمنده ترسشان نشوند دلیل آورد که تنها کسی در میانِ جمع است که چهره‌ای با پوست سپید و چشمانِ آبی و مویِ بور و شبیهِ غربی‌ها دارد و انگلیسی به لهجه و اصطلاحاتِ فاخرِ شرقِ آمریکایی صحبت می‌کُند و تازه تحصیل کرده «کُلمبیا» و هم دانشگاهیِ «رادوان کارادزیچ» است. آن طرحِ ماجراجویانه و مؤمنانه و بشردوستانه البته و شاید که چه بهتر هرگز اجرا نشد و همین که خبرش به تهران رسیده و گویا شخصِ آقایِ خامنه‌ای اجازه نداد، لغو و دیگر کسی از آن سُخنی نگفت تا امشب که یادِ همه فداکاری‌هایِ بی‌دریغ و بی‌چشمداشتی که همه ما ایرانیان یکی کمتر و دیگری بیشتر برایِ هم‌کیشانِ خود داشته‌ایم. افتادم و تنها داوطلبِ آن عملیاتِ محرمانه: «نادرِ طالب‌زاده»!»
بعدها طالب‌زاده در گفت‌وگو با دهباشی به غلط بودن آن نقشه اشاره می‌کند و می‌گوید پذیرش آن اقدام برایش به مثابه نوعی فیلمسازی بوده است!

به انگیزه بزرگداشت شیخ بهایی و روز معماری و به همت استودیو معماری نگار برگزار شد

گردهمایی معماران و مهندسان صنعت ساختمان استان قم

نخستین گردهمایی معماران و مهندسان صنعت ساختمان استان قم به مناسبت بزرگداشت شیخ بهایی و روز معماری به همت استودیو معماری نگار در هتل پارسیا برگزار شد.
در این مراسم که با ضیافت افطار همراه بود، جمعی از معماران، مهندسان و فعالان صنعت ساختمان در قم حضور داشتند.

نقش شیخ بهایی در شکل گیری تمدن ایرانی اسلامی

مرتضی نجفی قدسی
پژوهشگر دینی و فعال رسانه ای

مرتضی نجفی قدسی فعال فرهنگی و رسانه‌ای در ابتدای این مراسم با بیان اینکه این جلسه با محوریت نام بزرگ‌ترین معمار ایران اسلامی مرحوم شیخ بهایی تشکیل شده است، گفت: نام شیخ بهایی از مرزهای ایران فراتر رفته و سال‌هاست مورد توجه مجامع جهانی از جمله یونسکو قرار دارد.
وی افزود: با وجود اینکه شیخ بهایی چهره جهانی دارد و تلألؤ وجودی او در تمام جهان پدیدار است اما متأسفانه در کشور ما نسبت به مفاخر بی‌توجهی می‌شود.
این فعال فرهنگی و رسانه‌ای تصریح کرد: سازمان بین‌المللی یونسکو سال ۲۰۰۹ را سال بزرگداشت علامه بهاءالدین محمد ابن حسین عاملی مشهور به شیخ بهایی در سراسر جهان اعلام کرد و متعاقب آن در سال ۱۳۸۸ در تقویم رسمی جمهوری اسلامی ایران روز سوم اردیبهشت سالروز تولد شیخ بهایی به عنوان روز معمار شناخته شد.
وی بر لزوم حق‌شناسی از خدمات شیخ بهایی در شکل‌دهی تمدن ایران اسلامی تأکید کرد و یادآور شد: تعیین قبله، طراحی و ساخت مسجد امام و کاخ عالی قاپو در میدان بزرگ نقش جهان اصفهان، تقسیم آب زاینده‌رود، قنات اصفهان، ساخت مسجد چهارباغ به روی لجن‌زار، طراحی منار جنبان، طراحی شهر نجف آباد و ساخت گرمابه‌ای که تنها با یک شمع کار می‌کرد بخشی از خدمات این دانشمند عصر صفویه است.
این فعال فرهنگی و رسانه‌ای در خصوص حمام شیخ بهایی که مشهور است با یک شمع مخزن آبی آن گرم می‌شده است، گفت: هنوز راز این هنر شیخ بهایی به طور صد در صد روشن نیست اما دو فرضیه به طور جدی مطرح است، برخی گفته‌اند شیخ بهایی یک سیستم لوله کشی سفالینه‌ای را از دستشویی مسجد جامع اصفهان تا این حمام که در محله دردشت اصفهان و در مسافت اندکی از این مسجد قرار دارد ایجاد کرده و از انرژی گاز متان متصاعد شده از چاه‌های توالت مسجد جامع، شعله حمام این مسجد را همیشه روشن نگهداشته است و همین مسئله نبوغ علمی شیخ بهایی را می‌رساند که در چند صد سال پیش به فکر تولید انرژی از فاضلاب بوده است یعنی کاری که امروزه در برخی کشورهای جهان تازه طراحی و اجرا شده است.
نجفی قدسی افزود: یک احتمال ضعیف‌تر هم مطرح است و برخی گفته‌اند جنس منبع حمام شیخ بهایی از طلا که رساناترین فلز در انتقال گرماست بوده که با حرارت کم، انرژی زیادی تولید و منبع آب حمام گرم می‌شده و شیخ بهایی برای جلوگیری از دستبرد این منبع طلایی توسط دزدان، راز گرم بودن دائمی آب این حمام را پنهان داشته است.
وی تصریح کرد: حمام شیخ بهایی تا اواسط دوره پهلوی روشن بوده و مورد استفاده قرار می‌گرفت اما با ورود محققان و جهانگردان اروپایی در اواخر دوره قاجار و پهلوی به بهانه کشف راز هنر شیخ بهایی، بخشی از سازه اصلی این حمام تخریب شد و معلوم نیست چکار کردند که دیگر این حمام گرم نشد و از کارایی افتاد گرچه در سال‌های گذشته میراث فرهنگی آن را تعمیر کرده است و صرفا به عنوان یک بنا و اثر معماری از شیخ بهایی مورد بازدید قرار می‌گیرد.
این فعال فرهنگی و رسانه‌ای در خصوص طراحی و معماری مدرسه بزرگ چهارباغ اصفهان به عنوان یکی دیگر از آثار هنری و معماری شیخ بهایی، گفت: محل ساخت این مسجد در مسیری آبرفتی و لجنزار در نزدیکی رودخانه زاینده‌رود قرار داشت و طبیعی بود که ساخت بنا در این مکان با نشست زمین روبه‌رو می‌شد اما شیخ بهایی دستور داد ابتدا مساحت وسیعی را از زغال چوب پر کنند و سپس آنها را محکم بکوبند و پس از آن روی آنها را با ساروج و شفته پر کنند و بعد از این تمهیدات پی‌های اصلی این بنا را بنیان نهادند و هم اکنون این مدرسه واقع در خیابان چهارباغ اصفهان بعد از چندین قرن پابرجا و یکی از شاهکارهای هنری و معماری شیخ بهایی محسوب می‌شود.
نجفی قدسی تصریح کرد: دیگر آثار و ابنیه معماری شیخ بهایی مانند پل خواجو یا الله وردی خوان و یا سی و سه پل هر کدام زمینه مطالعاتی فراوانی برای هنرمندان معماری دارد و امیدواریم دانشگاه‌ها به ذخائر عظیم هنری و معماری کشورمان بیشتر توجه داشته باشند.
وی افزود: شیخ بهایی در ایجاد تمدن ایرانی اسلامی نقش مؤثری داشت و اگر او در دربار شاه عباس صفوی نبود، این آثار و خدمات گسترده شکل نمی‌گرفت.
این فعال فرهنگی و رسانه‌ای یادآور شد: شیخ بهایی در قریب هشتاد سال عمر بابرکت خود بیش از ۱۲۰ تألیف و اثر علمی از خود به یادگار گذاشت، او دانشمندی جامع‌العلوم، حکیم، فقیه، عارف، ریاضیدان، فیزیک‌دان، منجم و ستاره شناس، شاعر و ادیب نامدار سده ۱۰ و ۱۱ هجری شمسی است که به مدت سی سال در قزوین نزد علما و دانشمندان ایرانی کسب فیض کرد و از سن ۵۷ سالگی منصب شیخ الاسلامی دربار شاه عباس صفوی را عهده‌دار بود.
نجفی قدسی از شیخ بهایی به عنوان یک چهره منحصر به فرد در تاریخ ایران و اسلام یاد کرد و گفت: کتاب‌های جامع عباسی، الزبده فی الاصول، اربعین، کشکول، مثنوی نان و حلوا، مثنوی نان و پنیر و منظومه فارسی شیر و شکر از آثار معروف شیخ بهایی است.
وی بر لزوم بزرگداشت مفاخر ملی تأکید کرد و گفت: ما باید یاد مفاخر علمی را زنده نگه داریم و به نسل جوان منتقل کنیم.
این فعال فرهنگی و رسانه‌ای تأکید کرد: امروز بعضی جوانان شیفته غرب شده‌اند در حالی که ما خودمان چشمه علم و دانش بودیم و امروز نیز شاهد پیشرفت‌های چشمگیری در حوزه‌های مختلف علمی و مهندسی و ساخت و ساز هستیم.
وی، شیخ بهایی را الگوی جامع علمی و اخلاقی برای معماران دانست و گفت: مهندسان و فعالان صنعت ساختمان باید به دنبال احیای نمای زیبای و فاخر معماری ایرانی اسلامی باشند.

تشکیل باشگاه معماران و مهندسان صنعت ساختمان در قم

در ادامه این نشست، دکتر محمد سعید محمدی مدیرعامل استودیو معماری نگار به تشریح شکل گیری این استودیو پرداخت و گفت: استودیو معماری نگار در سال ۱۳۹۱ با تلاش گروهی از فارغ التحصیلان رشته معماری دانشگاه‌های معتبر با تمرکز بر طراحی و اجرای ساختمان‌های مسکونی، کار خود را آغاز کرد و در ادامه، بازسازی و نوسازی ساختمان‌های مسکونی و تجاری به شرح خدمات مجموعه اضافه شد.
وی تصریح کرد: از سال ۱۳۹۸ این گروه با نام استودیو معماری نگار فعالیت خود را به عنوان یک مجموعه خلاق ادامه داده و تاکنون بیش از ۲۰۰ پروژه مختلف را به اتمام رسانده است.
مدیرعامل استودیو معماری نگار افزود: در حال حاضر تیم تخصصی استودیو نگار شامل ۷۵ نفر از افراد متعهد و متخصص بوده که به صورت مستقیم و غیرمستقیم در حال خدمت‌رسانی به مشتریان هستند.
محمدی در ادامه از راه‌اندازی باشگاه مدیران و متخصصان صنعت ساختمان در استان قم خبر داد و گفت: در این باشگاه، کارگاه‌های متعدد اجرایی و آموزش مدیریتی برای فعالان و اعضای باشگاه برگزار خواهد شد.
وی افزود: این باشگاه با هدف توسعه شبکه‌های حرفه‌ای و کمک به رشد و توسعه زیست بوم اقتصادی صنعت ساختمان و صنایع وابسته با رویکرد توجه به دانش روز دنیا و انتقال تجربه مؤثر شکل گرفته است.
مدیرعامل استودیو معماری نگار تصریح کرد: برگزاری جلسات ماهانه با هدف آشنایی با راهکارهای نوین مدیریتی، امکان همفکری و استفاده از تجربیات و دانش اعضا، قرار گرفتن در بین متخصصین و کارشناسان حرفه ای و بین المللی، امکان معرفی خدمات، محصولات و توانمندی های شغلی و ایجاد فرصت توسعه فعالیت های اقتصادی از جمله مزایای حضور در باشگاه مدیران و متخصصان صنعت ساختمان استان قم است.
محمدی خاطرنشان کرد: متخصصین، کارشناسان صنعت ساختمان و صنایع وابسته شامل شرکت‌های ساخت‌وساز، انبوه‌سازان، پیمانکاران ساختمانی، طراحان و معماران، کارآفرینان و ایده پردازان صنعت مسکن می‌توانند در این باشگاه عضو شوند و از مزایا و خدمات آن بهره‌مند شوند.

دکتر محمد سعید محمدی مدیر عامل استودیو معماری نگار

نیاز سالانه دو میلیون واحد مسکونی در کشور و بیست هزار واحد مسکونی در قم

سپس دکتر محمدصادق محمدی، عضو هیئت علمی دانشگاه قم و عضو اسبق شورای شهر قم در سخنانی بر لزوم ایجاد رشته تحصیلی اقتصاد مسکن در دانشگاه تأکید کرد و گفت: اگر چنین رشته‌ای وجود داشت و به طور آکادمیک به این حوزه پرداخته می‌شد، بسیاری از مشکلات مسکن در کشور وجود نداشت.
وی لازمه شکوفایی صنعت مسکن را کاهش تصدی گری نهادهای دولتی دانست و گفت: مسکن آن قدر جاذبه دارد که هم می‌تواند خودش را اداره کرده و هم هزاران شغل دیگر را ایجاد کند.
عضو هیئت علمی دانشگاه قم همچنین بر ضرورت تأثیرگذاری بیش از پیش بخش خصوصی در صنعت ساختمان تأکید کرد و گفت: بخش خصوصی می‌تواند در توسعه اقتصاد مسکن نقش چشمگیری داشته باشد.
سخنران پایانی این مراسم، دکتر علی غفار هاشمی مدرس دانشگاه و کارشناس صنعت ساختمان در سخنانی، اظهار کرد: صنعت ساختمان فرصتی برای تولید ثروت و رشد اقتصادی و افزایش تولید ناخالص داخلی و اشتغالزایی است.
وی به اهمیت صنعت ساختمان از نگاه آمار اقتصادی اشاره کرد و گفت: صنعت ساختمان سهم ۸ درصدی در تولید ناخالص داخلی، سهم ۱۰ تا ۱۶ درصدی در اشتغالزایی، سهم ۸۰ درصدی در ثروت خانوار و سهم ۶۰ درصدی در هزینه‌های خانوار را داراست.
این مدرس دانشگاه افزود: برآورد تولید ناخالص داخلی استان قم در سال ۱۴۰۱ بیش از ۷۸ هزار میلیارد تومان است که نیازمند ۲۰ هزار میلیارد تومان سرمایه گذاری است.
غفار هاشمی بر لزوم تلاش فعالان صنعت ساختمان برای ورود تکنولوژی های روز دنیا به کشور تأکید کرد و گفت: دنیا در حال ورود به نسل ششم صنعتی سازی، هوشمندسازی و بهره برداری از ساختمان سبز است در حالی که ما هنوز در نسل سوم ساخت و ساز باقی مانده‌ایم. وی تأکید کرد: امروز با کشورهای همسایه نمی‌توانیم رقابت کنیم چرا که ما در تکنولوژی صنعت ساختمان عقب هستیم و همین موضوع باعث می‌شود بهای تمام شده محصولات و خدمات بالاتر برود.
این مدرس بازاریابی و کارشناس صنعت ساختمان افزود: اگر شاهد شکل گیری ارتباطات بین‌المللی باشیم و شرکت‌های بین المللی وارد ایران شوند، بسیاری از شرکت‌های ایرانی جایی برای کار کردن نخواهند داشت.
غفار هاشمی در ادامه با تأکید بر اینکه تا سال ۱۴۰۵ باید ۶ میلیون واحد مسکونی در کشور ساخته شود، گفت: متناسب با نیاز جامعه لازم است تا سالانه ۱٫۵ میلیون مسکن ساخته شود. وی افزود: برآورد سهم قم در سال از سهم کل ۱٫۵ میلیون واحد به صورت تقریبی ۲۰ هزار واحد در سال است.
این استاد دانشگاه همچنین به ظرفیت بافت فرسوده برای فعالان صنعت ساختمان اشاره کرد و گفت: ۲۱ درصد از واحدهای مسکونی موجود به عنوان بافت فرسوده محسوب می‌شود و این یک فرصت اقتصادی برای فعالان صنعت مسکن است.
وی افزود: بر اساس حقوق پایه کارگران، زمان انتظار خرید مسکن از ۳۶ سال در ۱۳۹۶ به حدود ۸۰ سال در ۱۴۰۰ رسیده است.
غفار هاشمی در پایان به چالش‌های کلیدی پیش روی صنعت ساختمان در سال جاری اشاره کرد و گفت: افزایش هزینه حفظ و توسعه منابع انسانی، افزایش هزینه جذب و نگهداشت مشتری، کاهش جریان نقدینگی در سازمان، افزایش قیمت نهاده های ساختمانی و مواد اولیه و خدمات مورد نیاز از جمله چالش‌های این حوزه به شمار می‌رود.

دکتر علی غفار هاشمی استاد دانشگاه و کارشناس صنعت ساختمان

دکتر محمد صادق محمدی عضو هیأت علمی دانشگاه قم و عضو سابق شورای شهر